

حرف اول و آخر: مردم

«مرگ بر دیکتاتور» شعاری برخاسته از گلوی مردمی است که سی سال چکمه‌ی خونین حافظان حکومتی نظامی - مذهبی بر آن فشرده شده است. حکومت سی‌ساله‌ای که هیچ‌گونه مطالبات انسانی را بر نمی‌تابد و با ساختاری به شدت پلیسی - امنیتی و تحت نام مصلحت اسلام اقتدار ظاهری خود را حفظ کرده است. تمامی این سال‌ها حکومت سعی می‌کرد شکاف‌های درون خود را مخفی کرده و خود را نظامی یکپارچه تحت لوای اسلام و ولایت فقیه نشان دهد و از این ابزار برای تطمیع بخشی از مردم و سرکوب بخش دیگر استفاده کند. انتخابات دور دهم ریاست جمهوری ضربه‌ی خرد کننده‌ای بر شکاف موجود در نظام وارد کرد. ضربه‌ای که اختلافات درون هیئت حاکمه را پررنگ‌تر و نمایان‌تر کرد، بطوری که با هیچ ملاتی قابل پوشش نیست.

اما این یک طرف قضیه است. طرف دیگر که خود عاملی بسیار تعیین کننده در جهت تعمیم این تضادها بوده، همانا مردمی هستند که بخشا پشت سر دو نامزد به اصطلاح اصلاح طلب گرد آمده‌اند. موسوی و کروبی با شعار اجرای صحیح اصول قانون اساسی و یا تغییراتی در آن پا به میدان گذاشتند. بخشی از جریانات سیاسی گرد این دو نامزد جمع شده و مردم را تشویق به شرکت در انتخابات کردند. اکثریت کسانی که به این دو نامزد رای دادند اعتقاد داشتند بین بد و بدتر، بد را انتخاب می‌کنند. حضور گسترده‌ی مردم، حتی بخشی از تحریمی‌ها، در صفوف رای‌دهندگان نمایانگر پیروزی یکی از این دو نامزد، بخصوص موسوی بود.

اما ورق به گونه‌ای دیگر برگشت. در یک مضحکه، نام احمدی‌نژاد با ۲۴ میلیون رای از صندوق‌های آرا بیرون آمد. این اشتباه تاریخی بزرگی بود که رژیم اسلامی مرتکب شد که می‌تواند تیشه به ریشه‌ی سی‌ساله رژیم بزند. طعم قدرت و تسخیر منابع اقتصادی چنان به مذاق جریان حامی احمدی‌نژاد خوش آمده است که حاضر نیست آن‌را با شرکای دیرینه‌اش تقسیم کند و این چنین شد که موسوی و کروبی با ناباوری در نمایشی قرار گرفتند که سناریویش را از قبل پیش‌بینی نکرده بودند. سناریویی که مردم نوشتند و آنان را وادار به ارائه‌ی نقشی ناخواسته کردند. اینکه جریانات حامی موسوی و کروبی تا کجا با موج حق طلبانه‌ی مردم همراهی می‌کنند نباید دلمشغولی اساسی مردم باشد. زیرا بخشی از حکومت که اکنون به اپوزیسیون پیوسته و داعیه‌ی رهبری را دارد، سعی می‌کند جنبش مردم را مهار کرده و به بیراهه کشاند (اتفاقی که در سال ۵۷ رخ داد). آنان سعی می‌کنند خواسته‌های مردم را در بهترین حالت، به یک رفتارند مجدد کاهش دهند که نتیجه‌ی چنین امری نهایتاً پیروزی موسوی و تثبیت حاکمیت خواهد بود. بنابراین آنچه در این مقطع تاریخی اهمیت می‌یابد، هشیاری مردم و جریانات سیاسی و جنبش‌های مدنی. روبه رشد از یک طرف، و تلاش در جهت تشکل‌یابی و طرح خواست‌هایشان است. پیش‌بینی اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد امری سهل و بدیهی نیست. اما آنچه که مردم به دست خواهند آورد پس گرفتنی نخواهد بود و آن ارتقا آگاهی ایشان، ایجاد جریانات و تشکل‌های مردمی، تعمیق خواسته‌ها و شکستن تابوی نیروی نظامی و قدرت سرکوبگر است. نتیجه‌ی دیگر حضور فعال و پی‌گیر مردم ترس رژیم از تکرار مجدد چنین نمایش‌هایی و به سخره گرفتن خواست و حق مردم است و هیچ‌کدام از این‌ها، دستاوردهای کوچکی نخواهند بود.

ما به عنوان زنانی دیگر دلایل تحریم فعالانه‌ی خود را در بیانیه‌های قبلی بیان کردیم، و در شرایط مشخص کنونی نیز اعلام می‌کنیم که همانند تمامی زنان، مردان و جوانان این مرز و بوم تا رسیدن به خواسته‌های نهائی‌امان که همانا استقرار جامعه‌ای مبتنی بر آزادی و عدالت اقتصادی و رفع هرگونه ستم طبقاتی، جنسیتی، ملیتی، مذهبی و نژادی است، پی‌گیرانه مبارزه کنیم.

رژیم جمهوری اسلامی از تمامی امکانات نظامی خود به شیوه‌ای وحشیانه برای سرکوب حرکت‌های اعتراضی مردم استفاده می‌کند. تیراندازی و ضرب و شتم و کشتار مردمی که تظاهراتی آرام را برقرار می‌کنند، نشانگر تنفر حاکمان از مردم است. ما ضمن محکوم کردن حمله‌ی وحشیانه نیروهای سرکوبگر به تحرکات مردمی در تهران و شهرستان‌ها که تا به حال منجر به کشته شدن تنی چند از آنان شده است، اعلام می‌داریم صفوف به هم فشرده‌ی مردم با شعار آزادی و مرگ بر دیکتاتوری هیچگونه سازش و معامله‌ی سیاسی را بر نمی‌تابد و تا تحقق کامل خواسته‌هایش، محکمتر به پیش خواهد رفت.

زنای دیگر / ۸۸/۳/۲۶

دروود بر زنای که در صف مقدم مبارزات ضد رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند!

امروز، صحنه سیاسی جامعه را دو صف مقابل هم رقم می‌زند. در یک طرف رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی به همراه دارو دسته‌های گوناگون مرتجع و مداحانش؛ و طرف دیگر میلیون‌ها زن و اکثریت مردم، کارگران، دانشجویان، جوانان و روشنفکران قرار دارند؛ که مصمم هستند مبارزات خود را به طور گسترده در جهت سرنگونی کلیت نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی سازمان دهی کنند. در صحنه‌ی مبارزات در تمام شهرهای ایران صف میلیون‌ها زن و مردی است که دست به اعتراض و مبارزه خونین زده‌اند. مبارزه برای تسویه حساب با نظامی که سی سال کل جامعه‌ی ما را به اسارت کشیده است. امروز محاکمه‌ی کلیه سران ارتجاعی جمهوری اسلامی در میدان نبرد خیابانی به پیش می‌رود. زنان و به خصوص دختران جوان در مبارزات خیابانی و تظاهرات‌ها در صف مقدم مبارزه قرار دارند. این زنان با مبارزاتشان نشان دادند، که عزمشان را جزم کرده‌اند تا همراه با سایر اقشار و طبقات مردم در مبارزات غرورآفرین نقش عمده خود را بازی کنند. این زنان تصمیم دارند با کل نظام جمهوری اسلامی که بردگی و فرودستی را تحت نام‌های اصلاح طلب و یا اصول‌گرا بر آنان تحمیل کرده اند، تصفیه حساب قطعی کنند. این زنان در روزهای اخیر نقش پیشروئی را در مبارزات ضد رژیم بر عهده گرفتند.

اصلاح طلبان مزدور تلاش دارند، تظاهرات میلیونی و گسترده‌ی مردم را به نام خود ثبت و صادره کنند؛ و اهداف ارتجاعی خود را بار دیگر بر آن تحمیل نمایند. این مرتجعین می‌خواهند با گرفتن برخی امتیازات به نفع دارودسته‌ی ارتجاعی خود، آن را پیروزی اعلام کنند و با این دسیسه می‌خواهند مردم را به خانه‌هایشان بازگردانند. اصلاح طلبان مرتجع می‌خواهند مبارزات سازش‌ناپذیر دختران و پسران جوان را به دارودسته‌های منفور حزب الهی نسبت دهند؛ و بدین طریق با جوانانی که در صف مقدم مبارزه قرار دارند و با حمله به مراکز ارتجاع، حمله به بانک‌ها، به آتش کشیدن موتورهای نیروهای بسیج و حزب الله و ... ارتجاع را به درستی نشانه رفته اند، مرزبندی کنند. با این فریب و نیرنگ می‌خواهند از خشم و نفرت این جوانان جلوگیری کرده و با خیال خام خود جلوی رشد و رادیکال شدن مبارزات را سد کنند. زهی خیال باطل! مبارزات چند روز گذشته نشان داد که توده‌های جان به لب رسیده بخصوص بخش پیشرو و رادیکال آن برای سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی در مبارزه شرکت کرده اند.

ما زنان باید تلاش کنیم در نبردهای خیابانی، با سازمان‌دهی و شعارهایی که کل جناح‌بندی‌های حکومت جمهوری اسلامی را هدف می‌گیرد؛ شرکت کنیم. باید بتوانیم در این مبارزات غرورآفرین خواسته‌های خود را به طور مشخص طرح کنیم.

حجاب اجباری نمی‌خواهیم، حکومت زور نمی‌خواهیم! / حکومت سنگسار نمی‌خواهیم!

ای دختران نترسید، ما همه با هم هستیم! / ما زن و مرد جنگیم - جنگ تا بجنگیم! / هاله نور رو دیده - جنگ ما رو ندیده / توپ، تانک، روسری دیگر اثر ندارد! / آن خس و خاشاک تویی - پست‌تر از خاک تویی / شور منم، شوق منم - دختر پر شور منم

سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - ۱۷ ژوئن ۲۰۰۹ برابر ۲۷ خرداد ۱۳۸۸

www.8mars.com

<http://heshtemars.blogfa.com>

Zan_dem_iran@hotmail.com